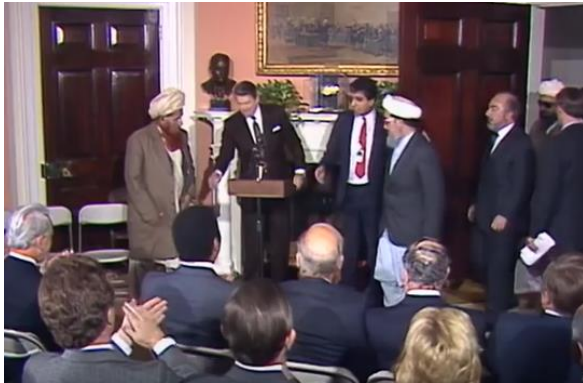




۲۰۲۰/۰۹/۰۳

اختر محمد یوسفی

مسائل جنگ و صلح در افغانستان؟



در جوامع بشری تفکیک روشن در مورد حالت جنگ و حالت صلح ضروری پنداشته می شود. گذار از حالت جنگی به حالت صلح و قطع جنگ در عمل هر یک از خود معیارهای مشخص و ممیزات عملی دارد. این اصل را باید بخاطر داشت که گذار از حالت جنگ به صلح بدور از امکان نیست، گذار از حالت جنگی به حالت صلح امیز زمانی ممکن و میسر بوده می توانند، که برای توقف ماشین آتش جنگ اقدامات عملی به شیوه های عادلانه در نظر گرفته شود، شیوه های را بکار برد که برای قطع جنگ و تأمین صلح واقعی و پایدار در کشور مؤثر باشد. در حل عنعنوی صلح این اصل کاملاً

درست بوده است که خون را نمی توان با خون پاک شست، بلکه صلح پایدار و حقیقی وقتی امکان پذیر است که عدالت در عمل در مورد متضررین حقیقی جنگ پیاده شود. دولت‌ها تسهیل کننده پروسه صلح است نه تصمیم گیرنده بالفعل آن، صلح که در آن نمایندگان با صلاحیت و حقیقی متضررین جنگ شرکت نداشته باشند به هیچصورت عدالت را تأمین کرده نمی توانند و ثبات پایدار در کشور ناممکن است. طرح کنونی پلان و کارگردانان نمایشی " صلح" نمایندگان با صلاحیت و حقیقی متضررین جنگ در افغانستان را با خود ندارد، با چنین شیوه تأمین صلح با طالبان که آتش بس را قبول ندارد و هنوز جنگ و خونریزی را در افغانستان ادامه میدهند بنابر دلایل ذیل صلح از امکانات بدور است.

*- برای تصویر بهتر از صلح و قطع جنگ در افغانستان اولتر از همه باید در مورد ماهیت و اهداف جنگ، طرفین درگیر جنگ و متضررین اصلی در جنگ افغانستان روشنی همه جانبه انداخته شود، تا با در نظر ماهیت و حالت جنگ براساس قواعد عادلانه صلح پایدار پلان و طرز العمل عملی برای تأمین ثبات در پیش گرفته شود. اتباع افغانستان با وجود اینکه هر روز در میدان ها جنگ کثیف دشمنان قربانی میدهند، مگر مردم مظلوم کشور از ماهیت این جنگ بیگانگان و سازماندهندگان آن درست اطلاع ندارد.

*- انسانهای شریف هر ملت بطور عموم جنگ طلب نیستند، مگر در هنگامی که جنگ توسط بیگانگان و عمال آن به بهانه های مختلف بر یک ملت تعمیم می شود، مردم که جنگ را هم آغاز هم نکرده اند و در جنگ هیچ نوع منافع هم ندارند، ناگزیر در آتش جنگ بیگانگان می سوزند. جنگ در افغانستان ماهیت جنگ رهبری کننده خارجی دارد، صلح نیز به عوامل خارجی آن ارتباط دارد که تا هنوز توافق تمام جوانب خارجی و تضمین بین المللی قطع جنگ فراهم نگردیده است. کاهش و یا خروج قوای نظامی ایالات متحده و رهایی زندان طالب و عوامل قطع جنگ را مرفوع نمی کند. آنانکه با تذکر اسمای عمال جنگ از شکم خود پیشبندی های بی بنیاد را در مورد تأمین و یا عدم تأمین صلح در افغانستان پف می کنند آن نظرات دلالت بر عدم درک ماهیت جنگ و صلح در افغانستان است. مشکلات و دشواریهای توقف جنگ در افغانستان در آن نهفته که دولت طرفین جنگ طالبان و دولت افغانستان هر دو از حمایت مستقیم خارجی برخوردار هستند. تا زمانیکه مداخلات و حمایت خارجی با طالبان و دولت افغانستان قطع نشود، مردم افغانستان زمیته و امکانات آنرا ندارند که برای تأمین صلح وارد میدان شود. جنگ طالبان و دولت افغانستان برای تأمین اهداف خارجی و حفظ در اریکه قدرت در بین آنان ادامه می باید.

برای قطع جنگ و تأمین صلح در افغانستان باید در مورد پرسش اساسی قطع جنگ و تأمین صلح در افغانستان تعریف درست مطرح شود، برخورد عملی مطابق با واقعیت های عینی در میدان جنگ برای رفع علل آن باید جوابات روشن با دلایل مستند برای در تأمین صلح و مشکلات با راه های آن ارائه شود. بیش از شش ماه از امضا توافق



"صلح" ایالات متحده امریکا با طالبان میگذارد، اجندا مشخص برای مذاکرات صلح با طالبان وجود ندارد، طالبان دولت افغانستان را برسمیت نمی شناسند و آتش را قبول ندارد

***- جنگ افغانستان جنگ داخلی مردم افغانستان نیست، این جنگ را مردم مظلوم و بی دفاع افغانستان آغاز نکرده اند، توقف این جنگ در افغانستان نیز به اراده و خواست مردم نمی باشد. جنگ در افغانستان بیش از چهل سال براساس رقابتهای بین المللی و منقطوی شعله ور گردیده است، جنگ در افغانستان در اثر مداخلات پاکستان و ایران با تداوم جنگ و خونریزی با قتل عام افغانها و کشتن افراد ملکی و ویرانی کشور ادامه دارد.**

جنگ در افغانستان جنگ بیگانگان، جنگ همسایه های افغانستان و دشمنان میهن ما است. تلمس این بازی روشن است، طالبان و دولت افغانستان هر دو طرف به حمایت و پشتوانه خارجی ها می جنگند، هیچ یک طرفین چنگ از رضا و میل مردم افغانستان برخوردار نبوده و جنگ حمایت نمی شوند. حضور هر دو طرف این جنگ حمایت کنندگان خارجی دارند، به هیچ صورت نمی توانند از متضررین واقعی جنگ نماینده گی کند، که تا تأمین کننده عدالت و صلح در افغانستان باشند.

***- مردم مظلوم و بی دفاع افغانستان تنها و تنها مواد سوخت این جنگ بیگانه اند، توقف این جنگ به توان و خواست مردم افغانستان نیست. صلح واقعی و پایدار در عمل یک پروسه ملی است که با باید اشتراک مستقل و مستقیم و نمایندگان واقعی و با صلاحیت مردم باید انجام شود.**

در اعلامیه ای که طرف کرزی نشر کرده آمده است: «رئیس جمهور پیشین افغانستان از تصمیم رئیس محترم شورای عالی مصالحه ملی مبنی بر انتخاب اعضای این شورا در مشوره با رهبران سیاسی، رؤسای مجلسین شورای ملی، بزرگان قومی، علمای کرام دین، جامعه مدنی و نخبگان کشور استقبال می کند».

جناب کرزی صاحب!

شرم است، لطفاً افسانه گویی را دیگر بس کنید، سی سال است که همین رهبران غارتگر "جهادی" سیاسی ساخت پاکستان و ایران، پارلمان دزدان "جهادی" و ارگانهای قضایی رشوه خوار "جهادی" در افغانستان حکمروایی مطلق العنان خود را به پیش می برند. بروایت حقایق ساختار نا کار آمد، لشکر غیر مؤثر موجود مفتخور در افغانستان بیجهت بدون محاسبه دقیق زیاد حساب کنید، از این نظام فاسد کنونی "جهادی" هم شابلون طلایی خیالی نسازید.

- بزرگان قومی و علمای کرام دین که شما با آنان بیش از حد دل بسته ائید، در هر محفل از طوق گردن این بتهای خیالی بزرگ قوم و عالم کرام دین کش کرده به نمایش میگذارید، اینها نه بزرگان اقوام اند، نه عالم دین اند و نه کرامت دارند. اینان حوله داران فالتو محصول جنگ تحمیلی دشمنان مردم افغانستان هستند، معاشخواران مفت و بیکار هستند که در هیچ کاری مؤثریت ندارد و به ملت مظلوم و بی دفاع افغانستان هم تعلقات ملی ندارد.

- جامعه مدنی و نخبگان ملی و سیاسی در نظام رهبران افراطی "جهادی" وجود داشته نمی توانند و عملاً هم ندارد. نباید بچشم مردم بیچاره کشور خاک زد، چند مبلغ اجیر شبکه های اطلاعاتی که شب و روز در تلویزیون مصاحبه میدهند و یا بدور میز های مدور شرکت میکنند نخبگان سیاسی و ملی کشور نبوده و امر دفاع منافع ملی به مردم کشور تعلق ندارد. شبکه های اطلاعاتی را که منابع خارجی بنام جامعه مدنی و نخبگان در افغانستان ایجاد کرده اند، کفایت و صلاحیت حقوق مدنی اتباع میهن را ندارند، اینان توفاله های بیسواد "جهادی" اند که بدرد ملت نمی خورد.

در صورتیکه شما کاملاً واقف بودید و میدانستید با تجارب شش ساله گذشته ثابت شده است که اشرف غنی و عبدالله در کار مشترک ملی هیچگاهی در هیچ موارد توافق نظر باهم نداشتند و ندارند، پس چرا شما برای فریب مردم



افغانستان این طوق لعنت شرمنامه " تفاهم مشترک" را ترتیب دادید و چرا در بین شان امضا شده است. این موضعگیری شما در خاتمه در حالیکه جنگ طالبان هر روز از افغانها بیگانه ملکی و نظامی قربانی میگیرد، چه راه حل بوده است. سرکس جنگی اختلافات اشرف غنی و عبدالله عبدالله دنباله دار است، با توصیه ها و سفارشات رهبران افراطی "مذهبی" و "جهادی" حل نمی شود. در جنگ شش سال این حقیقت ثابت شده است که اشرف غنی در دولت افغانستان فقط در نقش یک پیام رسان حضور دارد. فساد و تداوم جنگ و خونریزی در این نظام فاسد

را رهبران تنظیمهای "جهادی" که با پاکستان و ایران تعلق دارد رهبری می کند. شما نباید از حقیقت شانه خالی کنید، مجموعه کار و فعالیت نظام دولتی را شما رهبران غارتگر "جهادی" سیاسی، رهبری می کنید نه اشرف غنی. شیوه های حل و فصل ملکی تانرا در امور دولتمداری کنار بگذارید، لطفاً سرنوشت این ملت مظلوم و بی دفاع را بیشتر از این به برپایی ندهید. جناب کرزی صاحب جواب این سوال را باید شما بدهید که طرح حکومت مشترک غنی و عبدالله را چرا حمایت و تصویب کردید ، پس چرا از عضویت در شورای "صلح" شانه خالی می کنید.

*- شورای نام نهاد "صلح" دولتی افغانستان که در بین خود با ترکیب خویش در امر صلح باهم توافق ندارد، پس چگونه از حقوق مردم مظلوم و بی دفاع افغانستان در برابر طالبان که مسقیماً از جانب پاکستان و اعراب بنیادگرای افراطی حمایت می شوند دفاع خواهند کرد.

با این ترکیب مشت و یخن هیأت دولتی افغانستان در مذاکرات صلح با طالبان تأمین صلح در افغانستان خواب است، خیال است، و محال. صلح عادلانه و واقعی شکار حیوانات جنگل نیست که براساس امتیازات شکارچیان شکار تقسیم شود.